

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درسنامه سطح 1

موضوع: رابطه ها

تهیه شده در موسسه یاران سبز موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف)

جلسه دوم

در ابتدای جلسه مربی از چهار دانش آموز می خواهد که نزد او آمده و دو نفری روبروی یکدیگر بایستند. سپس از هر کدام از آنها می خواهد که با توجه به گفته‌های او سعی کنند که این احساس ها را با نگاه به یکدیگر رد و بدل کنند.

احساساتی مانند عصبانیت، ناراحتی، تعجب، تمسخر، التماس کردن، محبت و مهربانی، دوستی و... اکنون از همان دانش آموزان یا چهار نفر دیگر بخواهید که همین احساسات را در قالب فشردن دست‌ها (مصافحه) به یکدیگر منتقل کنند.

بله دوستان من! «مصافحه» «دوستی آور»، «کدورت زدا» و «محبت آفرین» است. ما علاقه خود و صمیمیت را با دست دادن ابراز می کنیم.

بر عکس، اگر با کسی کدورت و دشمنی داشته باشیم، از دست دادن با او پرهیز می کنیم. مثلاً در تلویزیون دیدید که دو تا رئیس جمهور وقتی می خواهند با یکدیگر دست بدهند، دستهایشان را روبروی هم می گیرند. گاهی که می خواهند بگویند ما حاضریم در تمام زمینه ها با هم همکاری می کنیم و هماهنگ هستیم، دست های یکدیگر را گرفته و رو به بیرون چندین عکس می اندازند. ولی حال اگر همین رئیس جمهور وقتی می خواهد با یک وزیری دست بدهد، آن وزیر دستش را می آورد پایین و رئیس جمهور بالا می ایستد و بدون اینکه کمرش را خم کند با وزیر دست می دهد. اینها همه آداب دیپلماسی است که هر کدام معنای خاص خودش را دارد.

یا مثلاً برخی افراد که می خواهند تواضع کنند دستشان را دراز کرده و دست دیگرشان را هم بر سینه گذاشته و دست می دهند.

بعد از دانش آموزان می پرسیم آیا تاکنون دقت کرده‌اید که چند جور لبخند می‌زنید؟ تا حالا دقت کردید چند جور خنده داریم؟ یا چند جور با دیگران دست می‌دهیم؟ یا در مباحث سیاسی نوع دست دادن‌ها و حرکات مقامات کشورها را دقت کرده اید؟؟

مثال های دیگری می توان در این زمینه بکار برد از جمله: حالات پدر یا مادر هنگام ورود به خانه، حالات مدیر یا معلم که می توان فهمید خوشحال است یا ناراحت یا عصبانی، نوع نشستن افراد؛ مثلاً برخی افراد در همین جلسه هستند که به گونه ای نشسته اند که گویا حوصله شنیدن این بحث ها را ندارد. برخی مؤدبانه و دو زانو نشسته اند. برخی ... که هر کدام از این نشستن ها و حرکات پیام و معنای ویژه خود را دارد. (برای تبیین مثالها از خود دانش آموزان استفاده کنید).

انواع ارتباط

مشخص شد که ارتباط های انواع فراوانی دارد و ما می توانیم به صورت های گوناگونی با دیگران ارتباط برقرار کنیم. در اینجا به چند نمونه از این اقسام ارتباط اشاره می کنیم.

❖ ملاک تقسیم؛ شیوه ارتباط:

1- دوستانه: معاشرت های دو دوست، ارتباطات خانوادگی.

مثل همین ارتباط هایی که در مسجد و مدرسه با در همین کلاس ها با دوستان خود دارید. یا مثل معاشرت های خانوادگی و رفت و آمدهای فامیلی.

2- غیردوستانه: در اینجا به معنای رابطه دشمنانه نیست، بلکه هر نوع ارتباطی که در طول روز با افراد مختلف و ناخواسته داریم، مدّ نظر ماست. مثل ارتباط با راننده اتوبوس و تاکسی و یا در کوچه و خیابان و ...

❖ ملاک تقسیم؛ نتیجه و هدف:

1. مثمر و مؤثر: ارتباط سودمند.
2. غیر مثمر و غیر مؤثر: هیچ بهره ای ندارد و فقط جنبه وقت گذرانی و سرگرمی دارد.
3. مضر و زیان بار: برای اغفال و فریب دیگران برقرار می شود.

داستان

روزی بازرگانی از اهالی بغداد نزد بهلول آمد و گفت: ای بهلول! به نظرت من چه بخرم که با فروش آن سودی زیاد عایدم شود؟

بهلول گفت: آهن و پنبه.

آن مرد رفت و مقداری آهن و پنبه خرید و انبار نمود. اتفاقاً پس از چند ماهی فروخت و سود فراوان برد.

باز روزی به بهلول برخورد و این دفعه گفت: ای بهلول دیوانه! به پند تو عمل کردم و سود فراوان بردم. بگو این بار چه بخرم؟

بهلول گفت: پیاز و هندوانه!

بازرگان رفت و تمام سرمایه خود را پیاز و هندوانه خرید و انبار نمود. پس از مدت کمی تمام پیاز و هندوانه های او پوسید و از بین رفت و ضرر فراوان نمود.

فوری به سرخ بهلول رفت و گفت که بار اول که با تو مشورت نمودم گفתי آهن و پنبه بخر و من هم به پند تو عمل کردم و سود بردم؛ ولی دفعه دوم این چه پیشنهادی بود کردی؟ تمام سرمایه من از بین رفت.

بهلول در جواب آن مرد گفت: روز اول که مرا صدا زدی گفתי آقای شیخ بهلول و چون مرا شخص عاقلی

خطاب نمودی، من هم از روی عقل به تو جواب دادم. ولی دفعه دوم مرا دیوانه خطاب نمودی، من هم از روی دیوانگی جوابت را دادم.

بازرگان شرمگین شد و و به اشتباه خود پی برد.

باید توجه داشته باشیم که از نظر اسلام در هر کاری، اعم از فردی و اجتماعی، باید در درجه اول فایده و نتیجه مفید آن در نظر گرفته شود. هر کاری که مفید فایده‌ای نباشد، از نظر اسلام «لغو»- بیهوده- و ممنوع است و انسان مؤمن هم کار بی فایده نمی کند: **وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ**¹.

❖ ملاک تقسیم: سطح ارتباط گیرنده:

1- پایین با بالا: انسان و خدا، فرزند و پدر و مادر و بزرگ‌ترها، شاگرد و استاد.

2- مساوی: دو دوست، دو برادر، دو همکار، دو همسایه.

3- بالا و پایین: خداوند و انسان، پدر و مادر و فرزند.

داستان پنج راز پسر عموی پادشاه

پادشاهی در شهر بلخ حکومت می کرد. او پسر عمویی داشت که شب و روز به خدمت گزاری پادشاه مشغول بود؛ اما ناگهان خدمت پادشاه را رها کرد و به عبادت خداوند روی آورد.

روزی پادشاه از حال پسر عمویش پرسید. گفتند: به عبادت خداوند روی آورده است و شب و روزش را به نماز و نیایش می گذراند.

پادشاه یکی از درباریانش را فرستاد تا او را به حضور آورد. وقتی او را حاضر کردند، پادشاه از او پرسید: چرا خدمت به ما را رها کردی؟

پسر عمو در پاسخ گفت: چون در خدمت کردن به تو پنج عیب دیدم؛ اما در عبادت و خدمت خدا پنج فضیلت یافتم.

شاه پرسید: عیب خدمت به من چه بوده است؟

گفت: اول این که از بامداد تا شامگاه در پیش رویت می ایستادم و یک بار نمی گفتم بنشین؛ اما چون در خدمت خدایم در هر چهار رکعت دو بار به من امر می کند که بنشین.

دوم این که تا تو از غذا سیر نمی شدی، اجازه خوردن غذا به من نمی دادی؛ اما من خدمت خدایی را می کنم که خود نمی خورد ولی به من می خوراند.

سوم این که چون به خواب می رفتی می باید شب های دراز بر پا می ایستادم و از تو پاسداری می کردم و بی خواب می شدم؛ اما من خدایی را می پرستم که خود نمی خوابد و مرا می خواباند و خود نگهبان من است.

¹ - مؤمنون/3.

چهارم این که چون در خدمت تو بودم اگر گناه یا تقصیری می‌کردم مرا می‌کشتی و لازم بود پادشاهی را به شفاعت آورم؛ ولی خدای من با استغفار و توبه خود مرا می‌آمرزد؛ اگرچه گناهم بسیار باشد. پنجم این که به من فرمان می‌دادی که به کس دیگری خدمت نکنم، ولی اکنون خدایی را می‌پرستم که دیگری را به خدمت من فرمان می‌دهد. 2

❖ ملاک تقسیم؛ ابزار ارتباط:

1- کلامی

2- غیر کلامی

الف- حرکت چشم

ب- دست

ج- راه رفتن

د- نشست و برخاست

ه- نوشته‌جات

که در ابتدای بحث به صورت عملی برخی از آنها را دوستان ما اجرا کردند.

بنابراین باید سعی کنیم ضمن شناخت انواع ارتباط به دوستی‌ها و ارتباط‌هایی پاسخ مثبت دهیم که مطمئن باشیم خداوند از آن راضی و خشنود می‌شود. آیا بهتر نیست به جای وقت تلف کردن در کوچه و خیابان و یا جاهای بی‌فایده و کم‌ارزش دیگر و ارتباط با افرادی که چه بسا صلاح ما را نمی‌خواهند یا نمی‌دانند، با دوست واقعی یعنی خداوند و امام زمان علیه السلام ارتباطمان را بیشتر کنیم که در این صورت خود آنها دوستان بهتری که باعث موفقیت ما در تمام مراحل زندگی می‌شوند را سر راهمان قرار خواهند داد. ان شاء الله

ضمیمه بحث (مطالعاتی)

توضیح پیرامون برخی از انواع ارتباط

1- ارتباط مؤثر و مثمر

تردید نیست که انسان به واسطه این که موجودی اجتماعی، نیازمند ارتباط با دیگران است و از این راه تأثیرات زیادی در محیط پیرامونی خود اعم از انسان‌ها و حیوانات و جمادات می‌گذارد و می‌پذیرد.

دین اسلام با آگاهی از این فرآیند برای آن برنامه جامع و کاملی ارائه نموده است. کلمه معروف و مشهور که منسوب به امیرالمؤمنین (ع) است، شاهی بر این معناست که فرمود: «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا.» در حوزه ارتباط انسان با پذیرش تعلیم تبدیل به عبدی می‌شود که از مولای خود تبعیت می‌کند و در این راه اگر توجه خود را به حوزه ارتباط معطوف ندارد و از کنار ارتباطات و اثرات آن بگذرد، نتیجه‌اش سخنی است که اهل دوزخ با تأسف و تأثر بی‌فایده می‌گویند: **يا وَيْلَتِي ' لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛**³ ای کاش با فلانی رابطه‌ای دوستانه نداشتیم، **يا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا؛** و ای کاش راهی و ارتباطی با رسول خدا می‌داشتیم.⁴

2- ارتباطات کلامی و غیر کلامی

الف - ارتباط کلامی یا زبانی: هر فرد در طول روز با افرادی به صورت کلامی و زبانی ارتباط برقرار می‌کند؛ با آن‌ها سخن می‌گوید و به سخن آن‌ها گوش می‌دهد. ویژگی این نوع از ارتباط صراحت و قابلیت به لحاظ شیوه و مهارت فرد در به کارگیری الفاظ است. اما از جمله مشکلات آن نیز محدودیت استفاده از آن است و در برخی از موارد نیز به دلیل عدم توانایی دو طرف ارتباط یا یکی از آن‌ها و کلمات و نرساندن مفهوم، ارتباط ناقص و یا غلط و وارونه برقرار می‌شود.

ب - ارتباط غیر کلامی: این نوع ارتباط دارای بیشترین اثر و از حیث دایره گسترده‌ترین نوع رابطه است که فرد با دیگران برقرار می‌کند. یعنی ممکن است ما در طول یک روز با ده‌ها نفر از کسانی که حتی نمی‌شناسیم و یا به آن‌ها توجه نداریم ارتباط غیر کلامی داشته باشیم. به عنوان نمونه مدیر یک اداره و یا مدرسه در طول روز با تعدادی سخن می‌گوید اما با نوع راه رفتن و یا نگاه کردن، نشستن و برخاستن، لباس پوشیدن، سر تکان دادن و یا دست دادن با تعداد زیادی ارتباط برقرار می‌کند؛ آن‌ها را امیدوار می‌کند و به آن‌ها نشاط می‌دهد و یا ناامید می‌کند و می‌رنجانند؛ می‌گریاند و یا می‌خندانند. این نوع از ارتباط به دلیل ویژگی‌هایش در بسیاری از موارد از ارتباط کلامی مؤثرتر است. لذا ما پیشنهاد می‌کنیم که به ارتباط غیر کلامی بیشتر توجه کنید، چرا که:

- 1- صداقت بیشتری در آن وجود دارد، یعنی با رفتار، کمتر می‌شود دروغ گفت.
- 2- خطا و غلط در رفتار، کمتر وجود دارد. اما در زبان به دلیل لکنت یا کم آوردن لغت اشتباه و فراوان است.

3- تن صدای من گوش‌خراش است، اما رفتار آرام و موقر من، هرگز!

4- پرچانگی و زیاد حرف زدنم شما را خسته می‌کند، اما نگاهم، هرگز!

³ - فرقان / 28
⁴ - فرقان / 27

5- تمام آنچه را که در دل دارم نمی‌توانم بگویم، اما نگاهم، لبخندم یا خشمی که در ابروهایم وجود دارد، همه را بازگو می‌کند.

برای همین است که دین به ما سفارش می‌کند: «**كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ**»؛⁵ دیگران را با غیر زبان، به خوبی‌ها دعوت کنید. از سوی دیگر به ما هشدار می‌دهد که مواظب تمام اعضا و جوارحت باش، چرا که: **إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا**؛⁶ یعنی گوش و چشم و قلب تو نیز مسؤولند؛ و در آیه دیگر می‌گوید: با غرور و تکبر راه نرو. در جای دیگر می‌گوید: چشم فرو بند.

و در آیات دیگر به زن‌ها سفارش می‌کند که چگونه خود را بیوشانند که بی‌شک فقط آن‌ها مخاطب نیستند، بلکه مخاطب هر کسی است که با شیوه پوشش خود اثری منفی در ارتباط با دیگران می‌گذارد.

توجه: استاد محترم می‌تواند با آوردن شاهد مثال‌های فراوانی که در تاریخ و یا در زندگی روزمره دانش آموز وجود دارد بحث را شیرین و پرجاذبه نماید.

مؤسسه علمی فرهنگی یاران سبز موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

معاونت پژوهش

به کوشش حجت الاسلام والمسلمین احمدوند؛ با تشکر از حجت الاسلام و المسلمین فراهانی

5 - بحار الانوار، ج 67، ص 309.
6 - اسراء/ 36.